

Human Development and Human Flourishing: Emphasis on the Importance of Non-Cognitive Skills

Zahra Montazeri 

Ph.D. Student in Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran

Mohsen Renani * 

Professor of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran

Abstract

The primary purpose of this study is to explain an extended concept of human development called human flourishing using the link between economic and psychological approaches. Also, the paper explains why non-cognitive skills are essential. The first approach is based on the technology of skill formation, and the second approach is based on the theory of hierarchy of needs. The Human Development Index (HFI) is calculated using the Human Development Index (HDI) calculation method and adding an index under the title Crime Index (CI). Accordingly, in this study, 30 selected countries in the form of two groups of in the mentioned indicators are examined. The countries of the first group are in the list of countries with the best education system, and the countries of the second group are not in this list. In the first group, there is no significant gap between the two charts, HDI and HFI, and they have a similar trend. The CI chart also shows the low level of crime and risky behaviors and confirms the higher level of non-cognitive and personality skills in this group of countries. In the second country group, due to higher CI than the first country group, the HDI graph is higher than the HFI graph. Both charts have a similar trend but have a greater downward slope than the first group. The CI chart is also for the second group, with a steeper slope than the first group. Thus, the first group of countries has a higher capacity to meet their self-fulfillment needs due to the high quality of the education system and more attention to cultivating a wide range of skills. As we move to countries with lower quality education systems, this capacity decreases.

Keywords: Non-Cognitive Skills, Crime, Human Development, Human Flourishing, Maslow's Pyramid.


JEL Classification: J24, O15.


* Corresponding Author: renani@ase.ui.ac.ir

How to Cite: Montazeri, Z., Renani, M. (2022). Human Development and Human Flourishing: Emphasis on the Importance of Non-Cognitive Skills. *Iranian Journal of Economic Research*, 27 (90), 41-62.

- This paper is extracted from Ph.D. thesis at Isfahan University.

توسعه انسانی و شکوفایی انسانی: تاکید بر اهمیت مهارت‌های غیرشناختی

زهرا منتظری  دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

محسن رنانی*  استاد، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

براساس دیدگاه جیمز هکمن توسعه انسانی، توسعه اقتصادی است و مهارت‌ها منبع اصلی رفاه و شکوفایی جوامع هستند. با این وجود، توجه صرف به پرورش مهارت‌های شناختی و عدم توجه به مهارت‌های غیر-شناختی به سبب اهمیت این نوع مهارت‌ها در کاهش رفتارهای منفی خارجی و دستاوردهای مهم زندگی، روند توسعه و شکوفایی جوامع را به تاخیر می‌اندازد. بر این اساس، هدف اصلی مطالعه حاضر، تبیین مفهومی بسط یافته از توسعه انسانی تحت عنوان شکوفایی انسانی با استفاده از پیوند دو رویکرد اقتصادی و روانشناسی و چرایی اهمیت مهارت‌های غیرشناختی است. رویکرد اول مبتنی بر تکنولوژی شکل‌گیری مهارت و رویکرد دوم مبتنی بر نظریه سلسله مراتب نیازها است. نتایج حاصل از این مطالعه تاکید بر تمرکز بیشتر خانواده و سیستم آموزشی بر پرورش مهارت‌های غیرشناختی است، چراکه منجر به ارتقاء صلاحیت‌ها و توانمندی‌های فردی جهت دستیابی به دستاوردهای مهم اجتماعی-اقتصادی و تحقق نیازهای پیچیده تر در راس هرم مازلو می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های غیرشناختی، جرم، توسعه انسانی، شکوفایی انسانی، هرم مازلو.

طبقه‌بندی JEL: O15, J24.

۱. مقدمه

براساس مطالعات معاصر، جوامع به شرطی می‌توانند به توسعه اقتصادی دست پیدا کنند که انسان‌های توسعه‌یافته‌ای داشته باشند. در این طرز تلقی تنها راهکارهای اقتصادی، پاسخگو نیستند و باید بر تربیت انسان‌های توسعه‌یافته تمرکز کرد. محور چنین تفکری بر تحقیقات گسترده جیمز هکمن^۱، اقتصاددان برنده جایزه نوبل گذاشته شده است. وی معتقد است بسیاری از مشکلات جوامع نظیر جرم و بزهکاری، ترک تحصیل از دبیرستان و وضعیت‌های نامساعد سلامتی به سطح پایین مهارت‌ها، توانایی‌ها و نابرابری در حال رشد در جامعه برمی‌گردد. از این رو، حل چالش‌های فوق و به دنبال آن تحقق اهداف ملی همچون تقویت طبقه متوسط، کاهش کسری بودجه و توسعه اقتصادی را در برنامه‌های رشد و یادگیری باکیفیت در اوان کودکی کودکان محروم جست‌وجو می‌کند، چراکه سبب پرورش مهارت‌های با ارزش می‌شود، نیروی کار را تقویت می‌کند و باعث کاهش مخارج اجتماعی و بهبود رشد اقتصادی می‌شود (Heckman, 2013 & 2008).

مهارت‌ها، افراد را توانمند می‌کنند. آن‌ها ظرفیت‌هایی برای عمل هستند و این امکان را به مردم می‌دهند که بتوانند زندگی خود را شکل دهند، مهارت‌های جدید ایجاد کنند و شکوفا شوند. مهارت‌ها به طور ذاتی متعدد هستند و انواع و وظایف به مهارت‌های مختلف در سطوح و نسبت‌های مختلف نیاز دارند (Heckman & Kautz, 2013).

مهارت‌های شناختی شامل توانایی‌های ذهنی مورد استفاده در فعالیت‌های فکری مانند خواندن، نوشتن و حساب (Green, 2011) است. اصطلاح مهارت‌های غیرشناختی نیز توسط بولز و گیتنز^۲ (۱۹۷۶) مطرح شد که شامل ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها و انگیزه‌ها هستند. علاوه بر این، اصطلاح بیان شده تمایز اشتباه بین عوامل شناختی و غیرشناختی را پررنگ می‌کند؛ در حالی که همانطور که بورگانس و همکاران^۳ (۲۰۰۸) خاطر نشان کرده‌اند جنبه‌های کمی از رفتار انسان فاقد شناخت است.

مهارت‌های شناختی و غیرشناختی بر موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی تاثیر گذارند و به شدت تحت تاثیر محیط‌های خانوادگی هستند و اثرات مستقیمی بر سطح دستمزد، سطح

1. Heckman, J.

2. Bowles, S. & Gintis, H.

3. Borghans, L., et al.

تحصیل، مشارکت در جرم، مصرف مواد مخدر و مشارکت در سایر فعالیت‌های انحرافی دارند (Cunha et al., 2006 and Cunha & Heckman, 2007).

مهارت‌های شناختی برای موفقیت در زندگی لازم هستند، اما برای بسیاری از جنبه‌های عملکرد در زندگی اجتماعی، کافی نیستند و بخش قابل توجهی از شواهد نشان می‌دهد که مهارت‌های غیرشناختی در مقایسه با مهارت‌های شناختی دستاوردهای بیشتری در زندگی از جمله پیشرفت تحصیلی، دستاوردهای بازار کار، سلامتی و جرم و بزهکاری را پیش‌بینی می‌کنند (Heckma et al., 2014 and Kautz & Zanoni, 2014).

مهارت‌های غیرشناختی با آزمون‌های ضریب هوشی و موفقیت که برای سنجش مهارت‌های شناختی استفاده می‌شوند، اندازه‌گیری نمی‌شوند. این آزمون‌ها، مهارت‌های غیرشناختی نظیر پشتکار (ثبات)، مسئولیت‌پذیری، خودکنترلی، اعتماد، توجه، عزت نفس و خودکارآمدی، خلاقیت، خودادراکی، تاب‌آوری در برابر سختی‌ها، پذیرش تجربه‌های جدید، همدلی، فروتنی، تحمل عقاید مختلف، انعطاف‌پذیری و توانایی تعامل موثر در جامعه را که به طور کلی در بازار کار، مدرسه و جامعه مهم هستند را در نظر نمی‌گیرند (Gutman & Schoon, 2013 and Kautz et al., 2014).

روانشناسان بیشتر مهارت‌های غیرشناختی را با استفاده از پرسش‌نامه‌های خوداظهاری می‌سنجند. آن‌ها به یک طبقه‌بندی خوب از مهارت‌های غیرشناختی تحت عنوان مدل پنج عاملی شخصیت^۱ با نام اختصاری «اوشن»^۲ رسیده‌اند که عبارت است از پذیرش تجربه‌های جدید، وجدان و مسئولیت‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری و موافق بودن و نوروٹیک بودن. از میان این صفات، وجدان و مسئولیت‌پذیری، سازگاری و موافق بودن بیشتر از سایر موارد ارتکاب جرم و بزهکاری را پیش‌بینی می‌کنند (John et al., 1994 & Heckman et al., 2014) و مهارت‌های اجتماعی-عاطفی (غیرشناختی) را با استفاده از رفتارهای مخاطره‌آمیز و بی‌پروا که در سال‌های نوجوانی سنجیده شده است، اندازه‌گیری می‌کنند.

براساس آنچه مطرح شد، هدف اصلی این مقاله تبیین اهمیت مهارت‌های غیرشناختی در ارتقاء صلاحیت‌ها و شایستگی‌های افراد یک جامعه و دستیابی به مفهومی بسط یافته از توسعه انسانی تحت عنوان «شکوفایی انسانی» است. این مهم با پیوند دو رویکرد اقتصادی و

1. Big Five

2. Openness to experience, Conscientiousness, Extraversion, Agreeableness, Neuroticism

روانشناسی که اولی مبتنی بر تکنولوژی شکل‌گیری مهارت هکمن و کوربین^۱ (۲۰۱۶) و دومی مبتنی بر نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو^۲ (۱۹۴۳) است، محقق می‌شود. در همین راستا با استفاده از شواهد و مطالعات مطرح شده درخصوص اهمیت مهارت‌های غیرشناختی در ممانعت از بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز، جرم و بزهکاری به عنوان پروکسی از مهارت‌های غیرشناختی در یک جامعه نظر گرفته می‌شود و از شاخص شکوفایی انسانی^۳ نیز که برای اولین بار توسط منتظری و همکاران^۴ (۲۰۲۱) مطرح و محاسبه شده است، استفاده می‌شود. چارچوب مقاله حاضر به این ترتیب است که در بخش دوم به بیان ارتباط مهارت‌های غیرشناختی و جرم و جنایت می‌پردازد. بخش‌های سوم و چهارم به ترتیب به تبیین مفهوم شکوفایی در دو رویکرد اقتصادی و روانشناسی اختصاص دارند. بخش پنجم پیوند دو رویکرد را در دو بخش تئوریک و تجربی تشریح می‌کند و بخش ششم به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازد.

۲. مهارت‌های غیرشناختی و جرم و جنایت

مهارت‌ها متعدد هستند و مهارت‌های شناختی تنها بخشی از آنچه برای موفقیت در زندگی لازم است، هستند. همانطور که در بخش قبل نیز اشاره شد مهارت‌های غیرشناختی؛ یعنی «مهارت‌های نرم» مانند اعتماد به نفس، نوع دوستی، پشتکار، توجه، انگیزه، اعتماد به نفس و سلامت فردی نیز مهم هستند، اما این مهارت‌ها بیشتر در تحلیل‌های علمی و مباحث سیاستی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند (Heckman & Corbin, 2016).

در مورد اثر مهارت‌های غیرشناختی بر جرم و جنایت در اقتصاد، ادبیات محدودی وجود دارد، اما در روانشناسی و جرم‌شناسی با برآورد همبستگی بین ضریب هوشی، معیارهای شخصیتی و جرم و جنایت ادبیات گسترده‌تری وجود دارد که همبستگی بین معیارهای

1. Heckman, J. & Corbin, C.

2. Maslow, A.

3. Human Flourishing Index (HFI)

۴. در این مطالعه شاخص شکوفایی انسانی (HFI) به عنوان بسطی از شاخص توسعه انسانی (HDI)، مبتنی بر تکنولوژی شکل‌گیری مهارت‌ها با در نظر گرفتن چهار بعد درآمد، سلامت، تحصیل و جرم و بزهکاری با استفاده از متدولوژی محاسبه HDI محاسبه شده است. بدین ترتیب برای سه بعد لحاظ شده در HDI به ترتیب از شاخص‌های بعدی درآمد، امید به زندگی و تحصیل و برای بعد جرم و بزهکاری شاخصی تحت عنوان شاخص رفتار مخاطره‌آمیز (CI) محاسبه و استفاده شده است.

شخصیتی نظیر خود کنترلی، قید و بند، احساسات منفی و جرم و بزهکاری را نشان می‌دهد (Caspi et al., 1994 and Agnew et al., 2002; Pratt & Cullen, 2000). تحقیقات اخیر در اقتصاد، اثر صفاتی غیر از توانایی شناختی را بر دستاوردهایی از قبیل مشارکت در بازار کار، نمرات آزمون، سلامتی و مهاجرت (Borghans et al., 2008; Heckman et al., 2005; Cobb-Clark & Tan, 2011; Dohmen & Falk, 2011; Chiteji, 2010 and Jeager et al., 2010) با اشاره به نقش این صفات در پیش‌بینی فعالیت‌های مجرمانه نشان داده‌اند. همچنین هیل و همکاران^۱ (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که مداخلاتی که بر شخصیت متمرکز هستند تا مهارت‌های شناختی در کاهش بزهکاری و صفات مربوط به بزهکاری موثر هستند.

هکمن و همکاران (۲۰۰۵) و کان‌ها و همکاران^۲ (۲۰۱۰) نیز با استفاده از داده‌های بررسی ملی طولی جوانان^۳ و کودکان و بررسی ملی طولی جوانان^۴ شواهدی ارائه می‌دهند مبنی بر اینکه اعمال جنایی بیشتر با عوامل غیرشناختی توضیح داده می‌شوند تا عوامل شناختی. در همین راستا هکمن و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که برنامه پیش دبستانی پری^۵ با پرورش مهارت‌های غیرشناختی بر مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه در بزرگسالی بسیار اثرگذار بوده است. این برنامه اثرات بلندمدتی بر نمرات ضریب هوشی نداشت، اما برای هر دو جنسیت اثر قابل توجهی بر رفتارهای درونی و بیرونی^۶ کودکان داشت.

آگان^۷ (۲۰۱۱) در تحقیق خود با بررسی شواهدی از داده‌های کودکان بررسی ملی طولی جوانان که شامل معیارهای رفتاری خطرپذیری، تکانش‌گری و موفقیت تحصیلی (مهارت‌های شناختی) در دوران کودکی و همچنین خوداظهاری رفتار مجرمانه در بزرگسالی است، نشان می‌دهد که مهارت‌های غیرشناختی سنجیده شده توسط رفتارهای بیرونی و درونی، تکانش‌گری و ترجیح ریسک، اثرات مهمی بر مشارکت در جرم و جنایت دارند. به طور کلی، تاثیر مهارت‌های غیرشناختی بر جرم و جنایت بزرگ‌تر از تاثیر مهارت‌های

-
1. Hill, P., et al.
 2. Cunha, F., et al.
 3. National Longitudinal Survey of Youth, 1979 (NLSY79)
 4. Children of the National Longitudinal Survey of Youth (CNLSY)
 5. Perry Preschool Programme (PPP)
 6. externalizing & internalizing behavior
 7. Agan, A.

شناختی بر جرم و جنایت است. همچنین این مطالعه موید اهمیت بیشتر مهارت‌های غیرشناختی در ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه نسبت به تاثیر آن‌ها بر تحصیل است. اما نقش مهارت‌های غیرشناختی چیست؟ تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که مهارت‌های غیرشناختی بر تحصیل و دستمزدها تاثیر می‌گذارد (Heckman, et al., 2005 and Pinger & Piatek, 2010). در اکثر تحقیقات تجربی، سرمایه انسانی با ضریب هوشی، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی یا تحصیل جایگزین می‌شود. بنابراین، افراد با سرمایه انسانی بالاتر، دستمزدهای بالاتری کسب می‌کنند و احتمال ارتکاب جرم در آن‌ها کمتر است (Lochner & Moretti, 2004 Grogger, 1998 and). از این رو، احتمالاً این اثر غیرمستقیم از طریق هزینه‌های فرصتی ظاهر می‌شود. در حالی که مهارت‌های غیرشناختی می‌توانند تاثیر مستقیمی بر مشارکت مجرمانه داشته باشند. به احتمال زیاد در فعالیت‌های مجرمانه برخلاف مشاغل قانونی رسمی برخی صفات از جمله پرخاشگری از اهمیت بیشتری برخوردار است و این امر برخی افراد را به داشتن مزیت نسبی در جرم و جنایت سوق می‌دهد. سایر صفات مانند تکانش‌گری و ترجیح زمانی^۱ منجر به عمل آنی افراد بدون توجه به ملاحظات دربارۀ عواقب بلندمدت آن عمل و در نتیجه افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. از آنجا که مطلوبیت ناشی از جرم و جنایت احتمالاً تحت تاثیر صفاتی مانند وجدان^۲ قرار می‌گیرد، احتمال اینکه افراد با وجدان بیشتر از ارتکاب جرم نارضایتی کافی داشته باشند، بیشتر است به گونه‌ای که حتی ممکن است آن‌ها را از ارتکاب جرم بدون هیچ ترسی از عواقب آن بازدارد (Agan, 2011).

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل CNLSY^۳ حاکی از آن است که مداخلاتی که مهارت‌های غیرشناختی را بهبود می‌بخشند، حتی در صورت عدم تاثیر بر ضریب هوشی، می‌توانند بر جرم و جنایات اثرگذار باشند. از این رو، با توجه به شواهدی از کان‌ها و هکمن (۲۰۰۷) و کان‌ها و همکاران (۲۰۱۰) مبنی بر وجود دوره‌های حساس و حیاتی، دوره‌های حیاتی برای صفات غیرشناختی دیرتر از مهارت‌های شناختی است، آن‌ها همچنان قبل از بزرگسالی اتفاق می‌افتند و این مهم دلالت بر این دارد که اگر قرار بر بهبود این مهارت‌ها باشد باید قبل از رسیدن فرد به سن بزرگسالی اتفاق بیفتد. این مهم به این معنی است که برای

-
1. Time preference
 2. Conscientiousness
 3. Children of the National Longitudinal Survey of Youth (CNLSY)

اینکه مداخلات دوران کودکی یک استراتژی بلندمدت موفق در کاهش جرم و جنایت باشد باید بر تقویت مهارت‌های غیرشناختی کودکان متمرکز باشد. به این ترتیب این مطالعه به دنبال نفی اثرگذاری عوامل بیرونی در کاهش جرم و جنایت نیست، بلکه فقط ضرورت پرورش مهارت‌های غیرشناختی در کاهش جرم و رفتارهای مخاطره‌آمیز را به عنوان الزامی برای دستیابی افراد جامعه به شکوفایی و تامین نیازهای پیچیده‌تر تبیین می‌کند.

۳. شکوفایی در رویکرد هکمن و کوربین

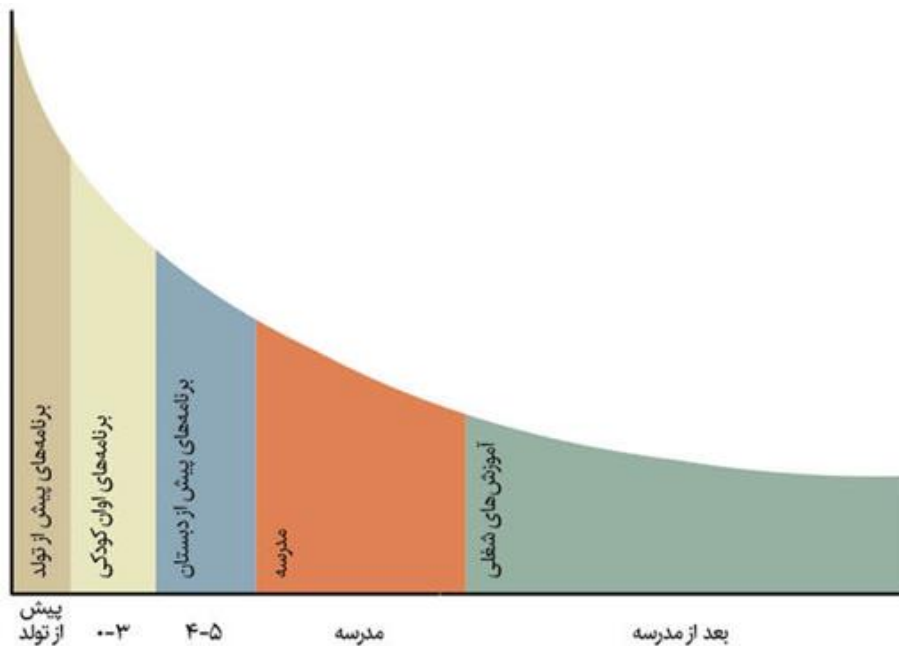
بر اساس آنچه مطرح شد، مهارت‌های شناختی و غیرشناختی منابع اصلی رفاه و شکوفایی در جامعه هستند؛ زیرا آن‌ها فعالیت در طیف وسیعی از حوزه‌های زندگی را ممکن می‌کنند. از این رو، رویکرد اقتصاد توسعه انسانی می‌کوشد تا توضیح دهد چگونه دستاوردهایی نظیر سلامتی، حقوق و دستمزد، جرم و بزهکاری، رای دادن و پیشرفت تحصیلی با سرمایه‌گذاری و تجربه تعامل با مهارت‌های متعدد حاصل می‌شود. این رویکرد نظریه‌ها و مدل‌هایی چون «تکنولوژی شکل‌گیری مهارت» که چگونگی تکامل مهارت‌ها در طول زمان را توضیح می‌دهند، توسعه داده است (Cunha & Heckman, 2007; 2008).

بر این اساس پروسه شکل‌گیری توانایی‌ها و مهارت‌های انسانی توسط یک تکنولوژی چندمرحله‌ای - قبل از تولد، بدو تولد، کودکی، نوجوانی و بزرگسالی - اداره می‌شود. مرحله‌ای که در تولید مهارت‌های خاصی مولدتر هستند «دوره‌های حساس» برای آن مهارت‌ها و اگر یک مرحله به تنهایی در تولید یک مهارت موثر باشد، «دوره بحرانی» برای آن مهارت نامیده می‌شود (Cunha et al., 2006).

دوره‌های حساس و حیاتی در بین مهارت‌ها متفاوت هستند و سرمایه‌گذاری‌ها باید این دوره‌ها را هدف قرار دهند (Kautz et al., 2014). بنابراین، دوره‌های حیاتی برای مهارت‌های غیرشناختی دیرتر از مهارت‌های شناختی است، اما آن‌ها همچنان قبل از بزرگسالی اتفاق می‌افتند. از این رو، سرمایه‌گذاری در سال‌های اولیه برای شکل‌گیری مهارت‌های شناختی بسیار مهم است، اما استراتژی‌های موفق بهبود و اصلاح نوجوانان باید بر تقویت مهارت‌های غیرشناختی آن‌ها متمرکز باشند (Cunha et al., 2010). بنابراین، تکنولوژی شکل‌گیری مهارت‌ها به بالا بودن بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های اولیه اشاره می‌کند، چراکه سرمایه‌گذاری‌های اولیه کارایی را افزایش و نابرابری را کاهش می‌دهند (بازده نزولی سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی در نمودار (۱) نمایش داده شده است).

تکنولوژی شکل‌گیری مهارت‌ها همچنین توضیح می‌دهد که چرا تکامل مهارت‌های والدگری و کیفیت سرمایه‌گذاری برای کودکان کم سن محروم از راهبردهایی است که از نظر اجتماعی منصفانه و از نظر اقتصادی کارا است (منتظری و همکاران، ۲۰۲۱).

نمودار ۱. بازده نزولی سرمایه‌گذار روی سرمایه انسانی



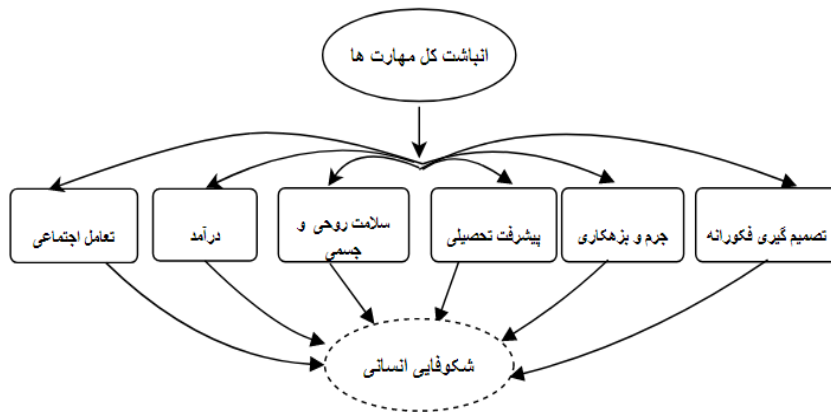
ماخذ: Heckman, 2008

بر اساس نمودار (۲)، تمرکز این مقاله بر مرحله پایانی تکنولوژی شکل‌گیری مهارت بر اساس نمودار (۲)، تمرکز این مقاله بر مرحله پایانی تکنولوژی شکل‌گیری مهارت (Heckman & Corbin, 2016) - دستاوردهای حاصل از انباشت مهارت‌ها در دوره بزرگسالی - تحت عنوان شکوفایی انسانی و شاخص محاسبه شده برای آن؛ یعنی HFI^۱ است. همانطور که در بخش‌های قبلی عنوان شد این شاخص علاوه بر در نظر گرفتن سه بعد لحاظ شده در شاخص توسعه انسانی (HDI)^۲ بعد دیگری تحت عنوان جرم و بزهکاری را نیز

1. Human Flourishing Index (HFI)
2. Human Development Index (HDI)

شامل می‌شود.^۱ بنابراین، مقاله حاضر با تبیین ارتباط بعد جرم با مهارت‌های غیرشناختی، آن را به عنوان پروکسی از مهارت‌های غیرشناختی در یک جامعه ساختار یافته مطرح و از آن جهت پیوند دو رویکرد در راستای تبیین مفهوم شکوفایی استفاده می‌کند.

نمودار ۲. مولفه‌های HFI در مرحله پایانی تکنولوژی شکل‌گیری مهارت



ماخذ: Heckman & Corbin, 2016

۴. شکوفایی در نظریه مازلو

۴-۱. هرم مازلو

آبراهام مازلو ایده سلسله مراتب نیازها را در کتاب خود به نام «انگیزه و شخصیت» در سال ۱۹۴۳ مطرح کرد. او هدف و آرمان اصلی انسان و تربیت و تقلاّی او را دست یافتن به مرتبه والای انسانی و همانا تحقیق خویشتن یا خودشکوفایی می‌داند. از پایین سلسله مراتب به بالا،

۱. در مطالعه کوتز و همکاران (۲۰۱۴) این خروجی دارای ۴ مولفه اصلی است که در بین این مولفه‌ها جرم و بزهکاری ارتباط بسیار نزدیکی با مهارت‌های غیرشناختی دارد و از آنجا که دستاوردهای تعامل اجتماعی و تصمیم‌گیری فکورانه نیز به عنوان دستاوردهای کیفی و فاقد یک شاخص کمی مشخص و تعریف شده به احتمال زیاد همبستگی بالایی با مهارت‌های غیرشناختی دارند، تنها به ۴ دستاورد اصلی در محاسبه HFI اکتفا شده است، چراکه برای دو مورد بیان شده، فرد باید از مهارت‌های غیرشناختی نظیر صبر، گفت‌وگو، تحمل نظرات مخالف، قابلیت حل مسأله، مدیریت استرس و... برخوردار باشد. پس چنانچه جامعه‌ای از شاخص جرم پایین تری برخوردار باشد به سبب سطح بالای مهارت غیرشناختی، تعامل اجتماعی و تصمیم‌گیری فکورانه با احتمال بیشتری در آن جامعه اتفاق می‌افتد.

نیازها شامل فیزیولوژیکی، ایمنی، عشق و تعلق، عزت و تحقق بخشیدن به خود هستند که ترتیب آن‌ها می‌تواند براساس شرایط بیرونی و تفاوت‌های فردی منعطف باشد. این مدل پنج مرحله‌ای را می‌توان به نیازهای اساسی، روانی و خودشکوفایی تقسیم کرد. دو سطح اول، نیازهای اولیه، دو سطح دوم، نیازهای روانی و بالاترین سطح، نیازهای خود شکوفایی نامیده می‌شوند (McLeod, 2020).

مازلو (۱۹۴۳ و ۱۹۵۴) اظهار داشت که افراد برای دستیابی به نیازهای خاص انگیزه دارند و برخی از نیازها نسبت به بقیه دارای اولویت هستند. سلسله مراتب نیازهای پنج مرحله‌ای شامل موارد زیر است:

۱- نیازهای فیزیولوژیکی: اینها التزامات زیست‌شناختی برای بقای انسان هستند؛ از قبیل هوا، غذا، آب، لباس، گرما، نیازهای جنسی و خواب.

۲- نیازهای ایمنی: محافظت از خطرات، ایمنی، نظم، قانون، ثبات و رهایی از ترس.

۳- نیازهای عشق و تعلق: بعد از تحقق نیازهای فیزیولوژیکی و ایمنی، سطح سوم از نیازهای انسان ماهیتی اجتماعی داشته و شامل احساس تعلق و وابستگی است. این امر نیاز به انجام رفتارهایی در راستای برقراری روابط بین فردی را برانگیخته می‌کند؛ نظیر دوستی، صمیمیت، اعتماد و پذیرش، دریافت و ارائه عاطفه و عشق، وابستگی و بخشی از یک گروه بودن (خانواده، دوستان و کار).

۴- نیازهای عزت نفس: این نیازها به دو طبقه تقسیم می‌شود، عزت برای خود (کرامت، پیشرفت، مهارت و استقلال) و میل به کسب شهرت یا احترام از جانب دیگران (مثل جایگاه و پرستیژ).

۵- نیازهای خودشکوفایی: تحقق توانایی‌های شخصی، خود کامروایی، جست‌وجوی رشد شخصی و تجارب بزرگ و میل به تبدیل شدن به هرآنچه توانایی‌اش را داریم (Maslow, 1987).

رشد خودشکوفایی مازلو (Maslow, 1962) به نیاز به کشف و رشد شخصیتی که در خلال زندگی فرد به وجود می‌آید، برمی‌گردد. از نظر مازلو، فرد همیشه «در حال شدن» است و هرگز در این مسیر در حالتی ایستا نمی‌ماند. در خودشکوفایی، فرد معنایی از زندگی که برایش اهمیت دارد را می‌یابد. مازلو (۱۹۷۰) با مطالعه زندگینامه گروهی ۱۸ نفره از افراد

برجسته (از جمله آبراهام لینکلن^۱ و آلبرت اینشتین^۲) ۱۵ ویژگی یک فرد خود شکوفا را شناسایی و برآورد کرد که تنها ۲ درصد از مردم به خود شکوفایی می‌رسند. با این حال، خود شکوفایی خود یک درجه است و «هیچ انسان کاملی وجود ندارد» (Maslow, 1970). مازلو همچنین به رفتارهایی اشاره می‌کند که می‌تواند به رسیدن افراد به خود شکوفایی کمک کند. در ادامه به ویژگی‌های افراد خود شکوفا و رفتارهایی که منجر به خود شکوفایی می‌شوند، پرداخته شده است.

۴-۲. ویژگی افراد خود شکوفا

۱- آن‌ها واقعیت را به‌طور کارآمدی درک کرده و توانایی تحمل شرایط بلا تکلیفی را دارند.
۲- خود و دیگران را آن‌طور که هستند، می‌پذیرند. ۳- در فکر و عمل خودانگیزه و ۴- مساله محور هستند (نه خودمحور). ۵- حس شوخ طبعی غیر معمول دارند. ۶- می‌توانند به‌طور عینی به زندگی بنگرند. ۷- بسیار خلاقند. ۸- نسبت به فرهنگ پذیری مقاوم هستند، اما غیر متعارف نیستند. ۹- نگران رفاه بشریت و ۱۰- قادر به درک عمیق تجارب اساسی زندگی هستند. ۱۱- روابط بین فردی رضایت بخشی را با افراد معدودی برقرار می‌کنند. ۱۲- دارای تجارب بزرگ و ۱۳- نیازمند حریم شخصی هستند. ۱۴- نگرش‌های مردم سالارانه و ۱۵- استانداردهای اخلاقی قوی دارند.

۴-۳. رفتارهای منجر به خود شکوفایی

الف- تجربه زندگی همانند یک کودک با جذب و تمرکز کامل (توجه).
ب- امتحان شیوه‌های جدید به جای تکیه به مسیرهای امن (خلاقیت و پذیرش تجربه‌های جدید).
ج- گوش دادن به احساسات (ندای درون) خود در ارزیابی تجارب به‌جای توجه به صدای اکثریت یا قدرت غالب یا سنت (عزت نفس).
د- اجتناب از تظاهر و صادق بودن (قابل اعتماد بودن).
ه- آمادگی برای «محبوب نبودن» در صورت عدم توافق عقاید او با اکثریت (تحمل نظرات مخالف و خویشنداری).

1. Lincoln, A.
2. Enstein, A.

و- مسئولیت‌پذیری و سخت‌کوشی (وظیفه‌شناسی و پشتکار).
ز- تلاش برای شناخت مکانیزهای دفاعی و شهادت لازم برای کنار گذاشتن آن‌ها (انعطاف‌پذیری).

با بررسی «رفتارهای که منجر به شکوفایی می‌شود» و «ویژگی‌های افراد خودشکوفای» می‌شوند به وضوح می‌توان به ارتباط تنگاتنگ این ویژگی‌ها و رفتارها با مهارت‌های غیرشناختی پی برد. به بیان دیگر، هر چه از سطوح پایین هرم مازلو به سمت بالا حرکت می‌کنیم، ضرورت پرورش مهارت‌های غیرشناختی برای تحقق نیازهای پیچیده‌تر؛ یعنی نیازهای خود شکوفایی به حداکثر می‌رسد. دلیل این موضوع آن است که خودشکوفایی یک تمایل فطری است و چون در بالاترین مرحله از نیازهای انسان قرار دارد از ضرورت کمتری برخوردار است و به آسانی می‌تواند توسط یک محیط خصمانه یا طردکننده دچار وقفه شود (مانند بازداری‌هایی که یک فرهنگ یا جامعه ایجاد می‌کند و افراد را از اکتشاف رفتارها و اندیشه‌های نو بازداری می‌کند). بنابراین، قدم گذاشتن در مسیر طلایی خودشکوفایی نیازمند داشتن مهارت‌های غیرشناختی چون جسارت و سخت‌کوشی است و با منفعل بودن به دست نمی‌آید، چراکه افراد ممکن است بعد از برطرف شدن نیازهای سطح پایین بخواهند در همان سطح ایمن و آسان باقی بمانند به جای اینکه خود را به طور عمد با چالش‌های جدیدی مواجه سازند.

۵. پیوند رویکرد حکمن و کوربین و نظریه مازلو

۵-۱. تبیین تئوریک

در هر دو رویکرد، مهارت‌های غیرشناختی نقش مهمی در دستیابی به شکوفایی افراد دارند؛ زیرا با پرورش هرچه بیشتر این مهارت‌ها، امکان دستیابی به دستاوردهای مهم اقتصادی-اجتماعی زندگی و برآوردن نیازهای سطوح بالای هرم مازلو از جمله نیازهای خودشکوفایی، افزایش می‌یابد. با این حال، چگونه می‌توان رابطه بین این دو رویکرد را تصریح کرد؟
تحقق نیازهای اولیه و روانی در نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو در راستای دستیابی به دستاوردهای درآمدی، سلامتی و تحصیلی در رویکرد اقتصادی و به بیان دیگر، تامین دو بعد رفاه و رضایت در زندگی افراد است. از آنجا که HDI شامل هر سه دستاورد بیان شده است، تحقق نیازهای چهار سطح اول هرم مازلو نشان‌دهنده دستیابی جامعه به سطحی از

توسعه انسانی است. همچنین با توجه به «ویژگی‌های افراد خودشکوفای» و «رفتارهایی که منجر به شکوفایی می‌شود» هر چه به سمت سطوح بالای هرم مازلو حرکت می‌کنیم، ضرورت تقویت مهارت‌های غیرشناختی بیشتر می‌شود؛ بنابراین، در مطالعه حاضر دستاورد کاهش جرم و بزهکاری به دلیل همبستگی بالا با مهارت‌های غیرشناختی و اهمیت بیشتر این نوع مهارت‌ها در پیش‌بینی دستاوردهای مهم زندگی در ردیف تحقق نیازهای خود شکوفایی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، سطح پایین جرم در هر جامعه بیانگر سطح بالای مهارت‌های غیرشناختی افراد جامعه و قابلیت دستیابی به خود شکوفایی است. در این سطح فرد به واسطه بالفعل شدن ظرفیت‌های بالقوه خویش، معنایی در زندگی می‌یابد که برای او مهم است. به همین دلیل است که در رویکرد اقتصادی مطابق نمودار (۲) با افزودن دستاورد بیان شده به سه دستاورد دیگر، بعدی دیگر به سه بعد لحاظ شده در محاسبه HDI اضافه می‌شود و مفهومی گسترده‌تر از توسعه انسانی به نام شکوفایی انسانی معرفی می‌شود. رابطه بین دو رویکرد را می‌توان به صورت گرافیکی در نمودار (۳) نیز مشاهده کرد. در این نمودار، تلفیق دو رویکرد روانشناسی و اقتصادی مورد اشاره، قابل مشاهده است.

نمودار ۳. HFI در نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو



ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۵. تبیین تجربی

در این بخش براساس مطالعه منتظری و همکاران (۲۰۲۱) سعی بر تبیین تجربی پیوند دو رویکرد بیان شده با بهره‌گیری از داده‌های HDI^۱ و محاسبه CI^۲ و HFI برای دو گروه کشور شامل ۳۰ کشور منتخب در بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۲۳ است. گروه کشور اول شامل ۱۵ کشور از کشورهایی است که در فهرست ۲۰ کشور دارای بهترین سیستم آموزشی قرار دارند و گروه کشور دوم، ۱۵ کشور منتخب است که در لیست مورد اشاره حضور ندارند. معیار این انتخاب مبتنی بر نقش و اهمیت سیستم آموزشی در تکنولوژی شکل‌گیری مهارت‌ها به عنوان یک عامل اثرگذار بر فرآیند شکل‌گیری مهارت‌ها است. مقادیر HDI، CI و HFI مورد بررسی مقادیر میانگین این شاخص‌ها در طول دوره مورد بررسی هستند^۳.

براساس نمودار (۴) و مشاهده وضعیت سه شاخص بیان شده، ملاحظه می‌شود که سبب برتری سیستم آموزشی این کشورها و به احتمال قوی توجه بیشتر نسبت به آموزش همه‌جانبه انواع مهارت‌ها نظیر شناختی و به‌خصوص غیرشناختی شکاف و اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین دو نمودار HDI و HFI مشاهده نمی‌شود و این دو نمودار از روند مشابهی برخوردارند. نمودار CI نیز حاکی از سطح پایین ارتکاب جرم و رفتارهای مخاطره‌آمیز و بیانگر سطح بالاتر مهارت‌های غیرشناختی و شخصیتی در این گروه کشور است که نتیجه، توجه بیشتر خانواده و سیستم آموزشی به پرورش این نوع مهارت‌ها است. همچنین روند نزولی HFI همراه با روند صعودی CI است.

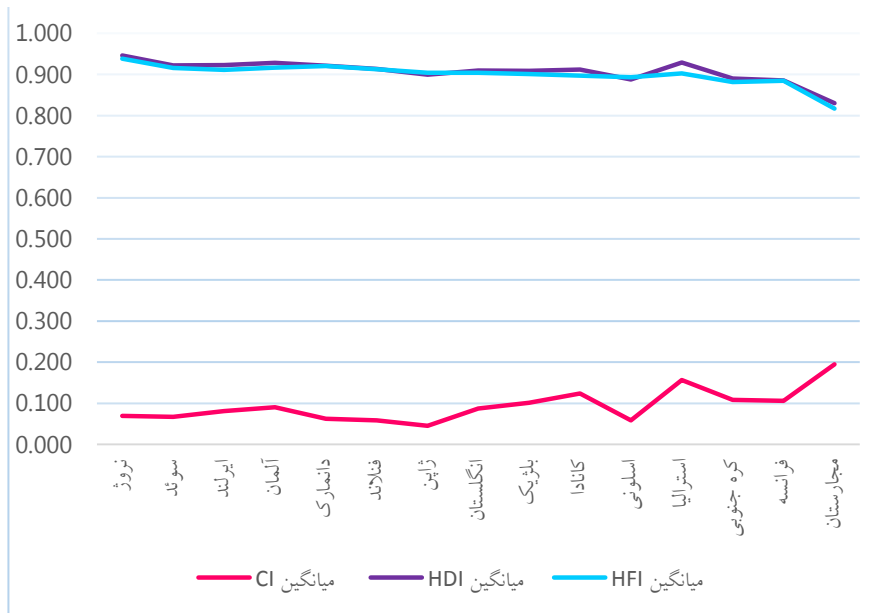
بدین ترتیب نروژ و مجارستان به ترتیب بیشترین و کمترین مقدار HFI و مجارستان و ژاپن به ترتیب بیشترین و کمترین مقدار CI را به خود اختصاص داده‌اند. تمام کشورهای این گروه در گروه کشورهای با HDI بسیار بالا هستند.

۱. مستخرج از وبسایت بانک جهانی

2. Crime Index (CI)

۳. کشورهای هر گروه براساس بیشترین مقدار HFI مرتب شده‌اند.

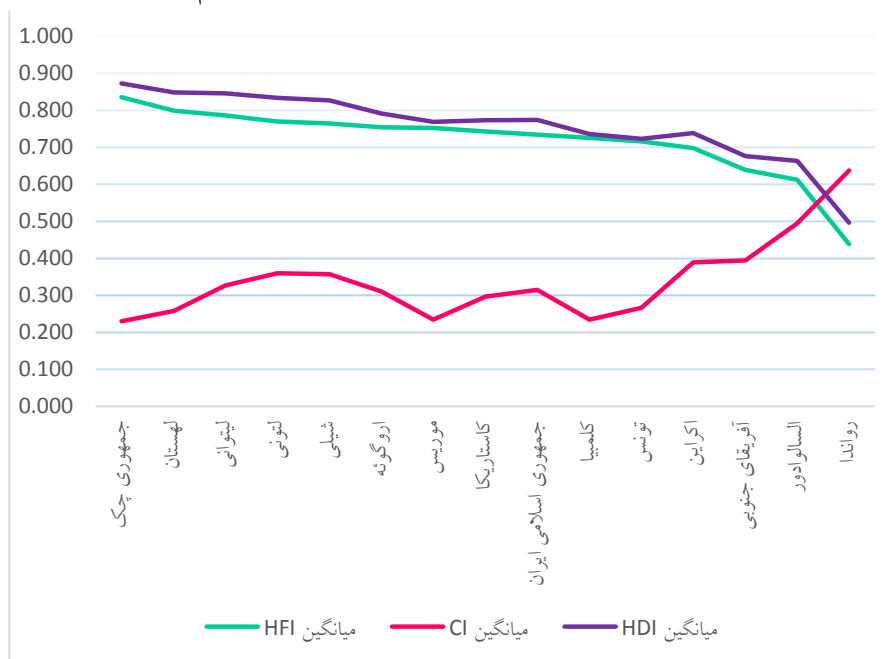
نمودار ۴. روند HFI، HDI و CI در گروه کشور اول



ماخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نمودار (۵) و مشاهده وضعیت سه شاخص نامبرده ملاحظه می‌شود که برای گروه کشور دوم به دلیل CI بالاتر نسبت به گروه کشور اول، نمودار HDI بالاتر از نمودار HFI است. هر دو نمودار دارای روندی مشابه هستند، اما از شیب نزولی بیشتری نسبت به نمودار (۴) برخوردار هستند. نمودار CI نیز برای این گروه کشور با شیب بیشتری نسبت به گروه کشور اول صعودی هستند. بدین ترتیب جمهوری چک و رواندا به ترتیب بیشترین و کمترین مقادیر HFI و کمترین و بیشترین مقادیر CI را به خود اختصاص داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای این گروه در جایگاه‌های نهم HFI و هشتم CI قرار گرفته است.

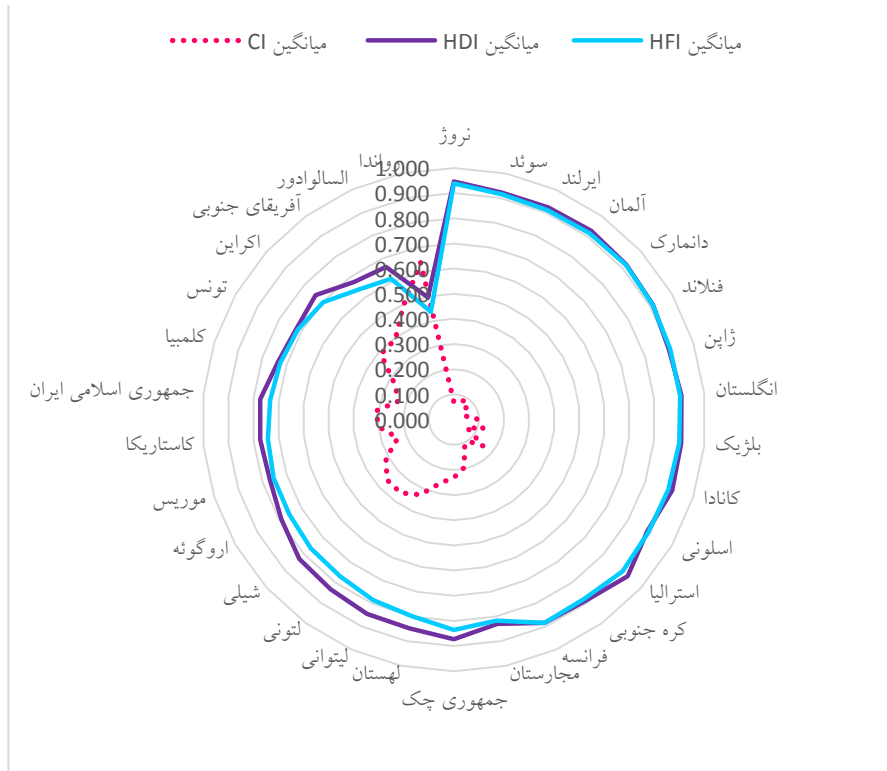
نمودار ۵. روند HFI، HDI و CI در گروه کشور دوم



ماخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نمودار (۶) حتی اگر در یک نگاه کلی کشورهای مورد بررسی را به لحاظ وضعیت سه شاخص بیان شده، رصد کنیم در کشورهای با کیفیت بالای سیستم آموزشی به دلیل به رسمیت شناختن تعدد مهارت‌ها، توجه به پرورش مهارت‌های غیرشناختی بیشتر و رفتار مخاطره‌آمیز کمتر است. بر این اساس، مردم این کشورها از پتانسیل بیشتری در تامین نیازهای خود شکوفایی برخوردار هستند. در حالی که هر چه به سمت کشورهای با سیستم آموزشی ضعیف‌تر حرکت می‌کنیم این مهم از قوت کمتری برخوردار است، چراکه به سبب کیفیت پایین سیستم آموزشی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار در شکل‌گیری مهارت‌ها و عدم توجه به پرورش طیف وسیعی از مهارت‌ها، مردم این کشورها از پتانسیل کمتری برای دستیابی به سطوح بالای هرم مازلو و تامین نیازهای خود شکوفایی برخوردار هستند. در بین ۳۰ کشور مورد بررسی، نروژ و رواندا به ترتیب در جایگاه‌های اول و ۳۰ام HFI و ژاپن و رواندا به ترتیب در جایگاه‌های ۳۰ام و اول CI قرار گرفته‌اند. ایران نیز جایگاه ۲۴ام در HFI و هشتم در CI را به خود اختصاص داده است.

نمودار ۶. روند HDI، HFI و CI در کشورهای مورد بررسی



ماخذ: یافته‌های پژوهش

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر با پیوند دو رویکرد روانشناسی و اقتصادی به تبیین مفهوم شکوفایی انسانی به عنوان مفهومی بسط یافته از توسعه انسانی پرداخته شد. رویکرد اول مبتنی بر تکنولوژی شکل‌گیری مهارت و رویکرد دوم مبتنی بر سلسله مراتب نیازهای مازلو است. نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر نقش حیاتی مهارت‌های غیرشناختی در دستیابی به شکوفایی انسانی است و از آنجا که مطالعات متعدد روانشناسی و اقتصادی حاکی از رابطه تنگاتنگ مهارت‌های غیرشناختی و جرم و بزهکاری هستند در این مطالعه جرم و بزهکاری به عنوان پروکسی از مهارت‌های غیرشناختی و قابلیت دستیابی جامعه به سطح خود شکوفایی در نظر گرفته می‌شود.

مطالعه حاضر ضرورت توجه بیشتر به پرورش مهارت‌های غیرشناختی توسط خانواده، سیستم آموزشی و سیاست‌گذاران را آشکار می‌کند، چراکه با پرورش این نوع مهارت‌ها و ارتقای صلاحیت‌ها و شایستگی‌های افراد، امکان دستیابی به نیروی کار مولد و توانمند افزایش می‌یابد.

نیروی کاری که دارای مهارت‌های ارزشمندی فراتر از مهارت‌های شناختی است، حلقه مفقوده در فرآیند توسعه کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر ایران است که با تکیه صرف بر ارتقای مدارج و مدارک تحصیلی از پرورش مهارت‌های باارزش در راستای توانمندسازی کودکان و نوجوانان به عنوان نیروی کار آینده بازمانده‌اند. توجه به این امر در بهبود کارایی و بهره‌وری نیروی کار به عنوان مهم‌ترین چالش کشورهای در حال توسعه کارگشا خواهد بود. همچنین با تاکید بیشتر بر پرورش مهارت‌های ارزشمند و ارتقای سرمایه انسانی، امکان بالفعل شدن ظرفیت‌های بالقوه افراد افزایش و علاوه بر تامین بعد رفاه و رضایت از زندگی، تامین نیازهای پیچیده‌تر و خود شکوفایی نیز محقق می‌شود. در این سطح شخص به معنایی از زندگی دست می‌یابد که برایش مهم است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Zahra Montazeri



<https://orcid.org/0000-0003-3334-9367>

Mohsen Renani



<https://orcid.org/0000-0002-9380-5654>

منابع

منتظری، زهرا، رنانی، محسن، کاظمی، ایرج و شریفی، علیمراد. (۱۴۰۰). شکوفایی انسانی و کارایی فنی: شواهدی از پنل دیتا. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۵(۳)، ۷۱۷-۷۳۶.

doi:<https://dx.doi.org/10.22059/jte.2021.310899.1008370>

Reference

- Montazeri, Z., Renani, M., Kazemi, I., & Sharifi, A. (2021). Human flourishing and technical efficiency: Evidence from the data panel. *Journal of Economic Research*, 55(3), 717-736. doi:<https://dx.doi.org/10.22059/jte.2021.310899.1008370>. [In Persian]
- Heckman, J. J., & Corbin, C. O. (2016). Capabilities and skills. *Journal of*

Human Development and Capabilities. 17(3). 342-359.

- Heckman, J. J., Humphries, J. E., Veramendi, G., & Urzua, S. S. (2014). *Education, Health and Wages* (No. w19971). National Bureau of Economic Research.
- Kautz, T. & W. Zanoni. (2014). *Measuring and fostering non-cognitive skills in adolescents: Evidence from Chicago public schools and the onegoal program*. Unpublished manuscript, University of Chicago, Department of Economics.
- Kautz, T., Heckman, J. J., Diris, R., Ter Weel, B., & Borghans, L. (2014). *Fostering and measuring skills: Improving cognitive and non-cognitive skills to promote lifetime success* (No. w20749). National Bureau of Economic Research.
- Heckman, J. J., & Kautz, T. (2013). *Fostering and measuring skills: Interventions that improve character and cognition* (No. w19656). National Bureau of Economic Research.
- Gutman, L. M., & Schoon, I. (2013). *The impact of non-cognitive skills on outcomes for young people*. *Education Endowment Foundation*. 59 (22.2). 2019.
- Agan, A. Y. (2011, January). *Non-cognitive skills and crime*. In IZA Conference Paper.
- Hill, P. L., Roberts, B. W., Grogger, J. T., Guryan, J., & Sixkiller, K. (2011). *Decreasing delinquency, criminal behavior, and recidivism by intervening on psychological factors other than cognitive ability: A review of the intervention literature*.
- Green, F. (2011). *What is Skill?: An Inter-Disciplinary Synthesis*. London: Centre for Learning and Life Chances in Knowledge Economies and Societies.
- Dohmen, T., & Falk, A. (2011). *Performance pay and multidimensional sorting: Productivity, preferences, and gender*. *American Economic Review*. 101(2). 556-90.
- Cobb-Clark, D. A., & Tan, M. (2011). *Noncognitive skills, occupational attainment, and relative wages*. *Labour Economics*. 18(1). 1-13.
- Chiteji, N. (2010). *Time preference, noncognitive skills and well being across the life course: do noncognitive skills encourage healthy behavior?*. *American Economic Review*. 100(2). 200-204.
- Jaeger, D. A., Dohmen, T., Falk, A., Huffman, D., Sunde, U., & Bonin, H. (2010). *Direct evidence on risk attitudes and migration*. *The Review of Economics and Statistics*. 92(3). 684-689.
- Cunha, F., Heckman, J. J., & Schennach, S. M. (2010). *Estimating the*

- technology of cognitive and noncognitive skill formation. *Econometrica*. 78(3). 883-931.
- Heckman, J., Pinto, R., & Savelyev, P. (2013). Understanding the mechanisms through which an influential early childhood program boosted adult outcomes. *American Economic Review*. 103(6). 2052-86.
- Heckman, J., Moon, S. H., Pinto, R., Savelyev, P., & Yavitz, A. (2010). Analyzing social experiments as implemented: A reexamination of the evidence from the HighScope Perry Preschool Program. *Quantitative Economics*. 1(1). 1-46.
- Heckman, J. J. (2008b). Schools, skills, and synapses. *Economic Inquiry*. 46(3). 289-324.
- Piatek, R., & Pinger, P. (2010). Maintaining (locus of) control? Assessing the impact of locus of control on education decisions and wages. Assessing the impact of locus of control on education decisions and wages, 10-093.
- Borghans, L., Duckworth, A. L., Heckman, J. J., & Ter Weel, B. (2008). The economics and psychology of personality traits. *Journal of Human Resources*. 43(4). 972-1059.
- Cunha, F., & Heckman, J. J. (2008). Formulating, identifying and estimating the technology of cognitive and noncognitive skill formation. *Journal of Human Resources*. 43(4). 738-782.
- Cunha, F., & Heckman, J. (2007). The technology of skill formation. *American Economic Review*. 97(2). 31-47.
- Cunha, F., Heckman, J. J., Lochner, L., & Masterov, D. V. (2006). *Interpreting the evidence on life cycle skill formation. Handbook of the Economics of Education*. 1. 697-812.
- Heckman, J., J. Stixrud, and S. Urzua. (2005). The effects of cognitive and noncognitive abilities on labor market outcomes and social behavior. *Journal of Labor Economics*. 24 (3). 411-482.
- Lochner, L., & Moretti, E. (2004). The effect of education on crime: Evidence from prison inmates, arrests, and self-reports. *American Economic Review*. 94(1). 155-189.
- Agnew, R., Brezina, T., Wright, J. P., & Cullen, F. T. (2002). Strain, personality traits, and delinquency: Extending general strain theory. *Criminology*. 40(1). 43-72.
- Pratt, T. C., & Cullen, F. T. (2000). The empirical status of Gottfredson and Hirschi's general theory of crime: A meta-analysis. *Criminology*. 38(3). 931-964.
- Grogger, J. (1998). Market wages and youth crime. *Journal of labor Economics*. 16(4). 756-791.

- Caspi, A., Moffitt, T. E., Silva, P. A., Stouthamer-Loeber, M., Krueger, R. F., & Schmutte, P. S. (1994). Are some people crime-prone? Replications of the personality-crime relationship across countries, genders, races, and methods. *Criminology*, 32(2), 163-196.
- John, O. P., Caspi, A., Robins, R. W., Moffitt, T. E., & Stouthamer-Loeber, M. (1994). The “little five”: Exploring the nomological network of the five-factor model of personality in adolescent boys. *Child development*, 65(1), 160-178.
- Maslow, A. H. (1987). *Motivation and personality (3rd ed.)*. Delhi, India: Pearson Education.
- Bowles, S., & Gintis, H. (1976). *Schooling in capitalist America (Vol. 75)*. New York: Basic Books.
- Maslow, A. H. (1970a). *Motivation and personality*. New York: Harper & Row.
- Maslow, A. H. (1962). *Toward a psychology of being*. Princeton: D. Van Nostrand Company.
- Maslow, A. H. (1954). *Motivation and personality*. New York: Harper and Row.
- Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. *Psychological Review*, 50(4), 370-96.
- McLeod, S. A. (2020). Maslow's hierarchy of needs. Simply Psychology. <https://www.simplypsychology.org/maslow.html>.
- Heckman, J. J. (2013). Invest in early childhood development: Reduce deficits, strengthen the economy. <https://heckmanequation.org>.
- World Bank Open Data. <https://data.worldbank.org>
- World Best Education Systems. <http://worldtop20.org>

استناد به این مقاله: منتظری، زهرا، رنانی، محسن. (۱۴۰۱). توسعه انسانی و شکوفایی انسانی: تأکیدی بر اهمیت مهارت‌های غیرشناختی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷ (۹۰)، ۳۹-۶۲.



Iranian Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.